

تشکیلات جبهه ملی قرار می‌دهند. جبهه در حال حاضر نشریه‌ای رسمی در اختیار ندارد که دیدگاههای خود را رسماً منعکس کند. چند پایگاه اینترنتی نظرگاهها و اخبار مربوط به این جبهه را انعکاس می‌دهد، اما در مقام تحقیق و از حیث دقتهای پژوهشی نمی‌توان به آنها استناد کرد.
عبدالعلی ادیب برومند - کورش زعیم

ماهنامه داخلی پیام طرفداران جبهه ملی ایران به جای روزنامه توقیف شده پیام جبهه ملی ایران شروع شد. بعداً واژه «طرفداران» از عنوان خیرنامه حذف شد. از این نشریه تا پایان سال ۱۳۸۶ش ۱۶۷ شماره انتشار یافته است. مدتی پس از انتشار نشریه داخلی، حسن لباسچی از سخنگویی استعفا داد و پرویز ورجاوند جانشین او شد.

جَبیرات، نک: کعب، بنی.

جَبیر بن مُطعم، ابومحمد، یا ابوعدی (د میان سالهای ۵۷-۵۹ق/۶۷۷-۶۷۹م)، صحابی پیامبر (ص). وی از تیره بنی نوفل بن عبدمناف قبیله قریش بود (ابن حزم، ۱۱۵-۱۱۶). پدر او، مطعم بن عدی، در ماجرای محاصره شعب ابوطالب، صحیفه قریش را که بر ضد بنی هاشم نوشته شده بود، نقض کرد و نیز هنگامی که حضرت رسول (ص) پس از واقعه طائف، به سوی مکه بازگشت، مطعم به آن حضرت پناه داد، به همین سبب وی نزد پیامبر (ص) سخت گرامی بود (ابن عبدالبر، ۲۳۲/۱؛ ابن اثیر، ۲۷۱/۱؛ ابن حجر، الاصابه، ۲۳۶/۱). اما جبیر خود در شورایی از قریش که رأی به قتل پیامبر (ص) دادند، همراه عموی خود، طقیمه بن عدی و حارث بن عامر، از بنی نوفل حضور داشت (طبری، ۲۷۰/۲). او در جنگ بدر نیز شرکت کرد و به اسارت مسلمانان درآمد (واقعی، ۱۳۰/۱؛ ابن عبدالبر، ۲۳۲/۱؛ ولی چون حضرت رسول (ص)، جبیر را در میان اسرای کفار دید، خطاب به او فرمود که اگر پدرت مطعم زنده بود، به شفاعت تمامی اسیران را آزاد می‌کردم (ابن عبدالبر، ابن اثیر، ابن حجر، همانجاها). از جبیر نقل کرده‌اند که هنگام اسارت، آیاتی از قرآن کریم از پیامبر (ص) شنید و سخت تحت تأثیر قرار گرفت (ابن عبدالبر، ۲۳۲/۱-۲۳۳)؛ با این همه، در جنگ احد، غلام خبیث و وحشی را تشویق کرد تا به انتقام قتل عمویش، طقیمه در جنگ بدر، حمزه بن عبدالمطلب را به شهادت رساند (ابن اسحاق، ۳۲۳؛ واقعی، ۲۸۶/۱؛ نیز نک: ذهبی، تاریخ، ۱۶۹، ۱۸۱).

تا ۱۳۷۸ش که چند تن از اعضای شورای جبهه، از جمله علی اردلان درگذشتند، دو بار تجدید انتخابات شد و چند نفر به اعضا افزوده شدند. در انتخابات درون شورا، ادیب برومند (رئیس)، عباس امیر انتظام، مسعود حجازی، نظام‌الدین موحد و پرویز ورجاوند به عنوان هیئت رهبری، و اسماعیل حاج قاسمعلی، کورش زعیم، خسرو سعیدی، غلامرضا رحیم، ناصر فرید، سیدحسین موسویان و مهدی مؤیدزاده به عنوان هیئت اجرایی انتخاب شدند. پرویز ورجاوند سخنگوی جبهه ملی ایران شد. هیئت رئیسه شورا عبارت بودند از ادیب برومند (رئیس)، منوچهر ملک قاسمی و حسن شهیدی (نواب رئیس)، فرشید افشار و هرمز ممیزی (منشیها). در آبان ماه ۱۳۸۲ چون امکان تشکیل کنگره جبهه وجود نداشت، پلنوم جبهه ملی برگزار شد و ۳۶ تن به عنوان اعضای شورای جبهه برگزیده شدند. در انتخابات درون شورا، ادیب برومند (رئیس)، عباس امیر انتظام، ناصر فرید، نظام‌الدین موحد، داوود هرمیداس باوند، پرویز ورجاوند، به عنوان هیئت رهبری، و مه‌لقا اردلان، کورش زعیم، خسرو سعیدی، غلامرضا رحیم، علی اصغر فنی‌پور، سیدحسین موسویان و مهدی مؤیدزاده به عنوان هیئت اجرایی انتخاب شدند. هیئت رئیسه شورا عبارت بودند از: ادیب برومند (رئیس)، منوچهر ملک قاسمی و حسین شاه‌حسینی (نواب)، فرشید افشار و سیدحسین عزت‌زاده (منشیها). پس از درگذشت پرویز ورجاوند در ۱۳۸۶ش، هرمیداس باوند، به عنوان سخنگوی جبهه ملی برگزیده شده است. پس از درگذشت نظام‌الدین موحد، علی رشیدی به هیئت رهبری پیوست.

برخی برآن‌اند که وی پیش از فتح مکه مسلمان شد (ابن قیسرانی، ۷۶/۱؛ ابن اثیر، نیز ابن حجر، الاصابه، همانجاها؛ قس: مزی، ۵۰۶/۴؛ ابن حجر، تهذیب، ۶۲/۲) و برخی اسلام آوردن او را در روز فتح مکه یاد کرده‌اند (ابن حبان، ۵۸؛ ابن عبدالبر، ۲۳۲/۱). در جریان تقسیم غنایم هوازن، او از گروه «مؤلفه قلوبهم» بود (ابن قتیبه، ۲۸۵، ۳۴۲؛ ابن عبدالبر، ۲۳۲/۱؛ نیز نک: ذهبی، سیر، ۹۷/۳).

جبیر در ۲۱ق/۶۴۲م یک چند والی کوفه بود، اما به نیرنگ مغیره بن شعبه، عمرین خطاب او را از کوفه برداشت (یعقوبی، ۱۵۵/۲؛ طبری، ۱۴۴/۴). در واپسین روزهای خلافت عثمان، جبیر

جبهه در دوره انحیای فعالیت‌های خود پس از انقلاب، گذشته از انتشار نشریه داخلی، اعلامیه‌ها و بیانیه‌های بسیاری به مناسبت‌های مختلف انتشار داده است. نمایندگان از سوئی جبهه، به ویژه هرمیداس باوند، کورش زعیم و پرویز ورجاوند، یا رسانه‌های داخلی و خارجی مصاحبه کرده، و دیدگاههای جبهه را درباره مسائل مختلف کشور از راه رسانه‌ها انعکاس داده‌اند. سازمانهای داخلی جبهه، نظیر سازمان پزشکان، پژوهشگران، زنان، مهندسان، نویسندگان، حقوق‌دانان، اصناف و جز آنها نشستهای مرتب دارند و اوضاع کشور را با توجه به حوزه تخصصی خود بررسی می‌کنند و نتیجه را که حاصل بررسیهای تخصصی و به منزله رأی مشورتی است، در اختیار مسئولان

7) Ebû Kays b. Eslet	<i>Ebu Kays 050131</i>	151
8) Ebû 's-Salt b. Ebû Rebi' a es-Şekafi ya da oğlu Umeyye b. Ebû 's-Salt	<i>Umeyye b. ad. Ebû 's-Salt 200241</i>	152
9) el-Muğire b. 'Abdullâh b. 'Omer b. Mahzûm		153
10) Ebû 'İkrîme b. 'Âmir b. Hâşim b. 'Abdu Menâf b. 'Abdu'd-Dâr b. Kuşay		153
11) 'Amr b. el-Vahîd b. Kilâb		154
12) Şafvân b. Umeyye el-Mahzumî	<i>Şafvân b. Umeyye 180184</i>	154
13) Külsûm b. 'Umeyy		154
14) 'Abdu Şems b. Mesrûh el-Ezdi		155
15) 'Ubeydullâh (veya 'Abdullâh) b. Kays er-Rukayyat	<i>İbn Kays er-Rukayyat 090479</i>	155
b) Sahâbe ve Tâbi' ündan Rivâyet Edilen Haberler		156
1) Hüzeyl Kabilesinden Bir Adam	<i>Hüzeyl (bea) 081688</i>	156
2) Ebû Rezin		156
3) Cübeyr b. Mu'îm	<i>Cübeyr b. Mu'îm (030642)</i>	158
4) Hırâş b. Umeyye el-Ka'bi el-Huzâ'i	<i>Hırâş b. Umeyye (081276)</i>	158
5. İbn 'Abbâs	<i>Abdullâh b. Abbâs (010094)</i>	159
6) 'Ubeyd b. 'Umeyr		161
7) 'Atâ b. Ebî Yesâr	<i>Atâ b. Yesâr (012138)</i>	161
c) Genel Anlatımlar		162
1) 'Urve b. ez-Zübeyr	<i>Urve b. Zübeyr (200031)</i>	162
2) Mücâhid	<i>Mücâhid b. Cibr (132370)</i>	163
3) Katâde	<i>Katâde b. Diama (110571)</i>	163
4) ez-Zühri	<i>Zühri (230386)</i>	164
5) 'Osmân b. Muğire b. el-Ahmes		165
6) 'Ubeyd b. Şerîyye	<i>Ubeyd b. Şerîyye (200003)</i>	166
7) Sa'îd b. Cübeyr	<i>Sa'îd b. Cübeyr (180265)</i>	168
8) Muşkâtîl b. Süleymân	<i>Muşkâtîl b. Süleymân (132055)</i>	168
9) İbn İshâk	<i>İbn İshâk (080462)</i>	170
10) İbnu'l-Kelbi	<i>Kelbi-His b. Müb. (110765)</i>	171
11) el-Ferrâ	<i>Ferra Yahyâ b. Ziy. (060253)</i>	172
12) el-Vâkidi	<i>Vakidi (210078)</i>	173
13) İbn Hâbib	<i>İbn Hâbib el-Hakbi (090333)</i>	176
2. Fil Vakası'nın Tarihi Arka planı	<i>Fil Vakası (060512)</i>	177
3. Fil Vakası Sayısı		182
4. Fil Vakası'nın Sebepleri		184
5. Fil Vakası'nın Tarihi		187
6. Hazırlıklar ve Yola Çıkış		191
7. Paskalya Gününde Necrân'a Varış		192
8. Yolda Karşı Koyanlar: Zû Nefer ve Nufeyl		193
9. Tâif'e Varış		194
10. Sîfâh ve el-Muğammes'e Varış		195
11. 'Abdulmuhtalib'in Develerine El Konulması		195
12. Hâdisenin Meydana Geldiği Gün ve Zaman Dilimi		196
13. Hâdisenin Meydana Geldiği Mekan		197
14. Saldırı Hazırlığı ve Filin Dönmesi Meselesi		198
15. Olay Günü Yaşananlar - Rüzgâr, Karanlık, Taş-Çakıl Yağmuru ve Bulut		199
16. Olayın Sonunda Kureys'in Tutumu		203
17. Yağmur ve Sel Meselesi		204
18. Atılan Taşlarla ilgili Anlatımlar		205
19. Fil Vakası'nın Mahiyeti Hakkında Bazı Değerlendirmeler		206
20. Seyf b. Zî Yezan'ın İktidarı Geri Alması ve 'Abdulmuhtalib'in Ziyareti	<i>Seyf b. Züyyân (180302)</i>	208

CÜBEYR B. MUT'İM

Cübeyr b. Mut'im

ITM/LLY/FRH

Hemedânî, Tesbîr, I, 58, II, 368, 369
588

(297-9. Kut. m)

E1-me'arif - (i. Kut) - 285

CÜBEYR B. MUT'İM

662

Cübeyr b. Muhammed b. Cübeyr b. Mut'im,

Darimî, er-Radd ale'l-Cehmiyye, 19.

297. 92

YAH.B

297-47

Behcetül-Menafir - I, 78

Cübeyr b. Mut'im b. Adiy el-Kureşî,

Darimî, er-Radd ale'l-Cehmiyye, 19.

297-47

fundamentalism, family law and feminist struggle in Algeria", *Arab studies quarterly*, vol.17, nos. 1-2 (Winter and Spring 1995); François Burgat and William Dowell, *The Islamic movement in North Africa*, Austin, Texas 1993; Mohammed M. Hafez, "Armed Islamist movements and political violence in Algeria", *The Middle East journal*, vol.54, no.4 (Autumn 2000); Robert Mortimer, "Islam and multiparty politics in Algeria", *The Middle East journal*, vol.45, no.4 (Autumn 1991); *The Oxford encyclopedia of the modern Islamic world*, ed. John L. Esposito, New York 1995, s.v. "Islamic Salvation Front" (by Peter von Siviers).

/ ستار عودی /

جیبیرین مطعم بن عدی، از صحابه پیامبر اکرم و نسب شناس. کینه مشهور وی ابو محمد است، اما ابو عدی نیز ذکر شده است (ابن اثیر، ج ۱، ص ۳۹۷؛ ذهبی، حوادث و وفیات ۴۱-۶۰ هـ، ص ۱۸۵). برخی او را از «المؤلفه قلوبهم» (یعنی غیر مسلمانانی که برای علاقه مند کردنشان به اسلام یا تازه مسلمانانی که برای دلگرم شدنشان، به آنها سهمی از زکات پرداخت می شد)، به شمار آورده اند (ابن قتیبه، ص ۱۲۳-۱۲۴، ۱۲۴؛ ابن حزم، ۱۹۵۰، ص ۲۴۸) به گفته ابن عباس، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در آستانه فتح مکه شأن او را بالاتر از آن دانست که مشرک باقی بماند و او را به همراه چند تن دیگر به اسلام آوردن ترغیب کرد (ابن حزم، ۱۴۱۲، ص ۷۷). نام مادر جیبیر را، به اختلاف، ام جمیل بنت سعید از طایفه بنی عامر بن لؤی (ابن عبدالبر، ج ۱، ص ۲۳۲) و ام حبیب بنت عاص بن امیه (ابن اثیر، همانجا) ضبط کرده اند.

جیبیرین مطعم از مشرکانی بود که پس از جنگ بدر، به منظور نجات اسیران یا تعیین خونبهای آنان، نزد پیامبر رفت (ابن عبدالبر؛ ابن اثیر، همانجاها). در آن حال پیامبر اکرم آیاتی از سوره طور را می خواند، که در قلب جیبیر مؤثر افتاد و، به گفته خود او، برای اولین بار پرتوی از ایمان بر قلبش، تابید (ابن اثیر، همانجا). چون پدر جیبیر نزد پیامبر شأن و منزلت داشت، پیامبر اکرم به جیبیر فرمود اگر پدرت زنده بود و برای این اسرا نزد من شفاعت می کرد، همه آنان را به او می بخشیدم (همانجا؛ مزی، ج ۴، ص ۵۰۷). در جنگ احد جیبیر غلام خود، وحشی بن حرب، را به کشتن حمزه، عموی پیامبر، ترغیب کرد و این اقدام را شرط آزادی او قرار داد (ابن اسحاق، ص ۳۲۳). کینه جیبیر از آن رو بود که حمزه عمویش، را کشته بود (ابن هشام، ج ۲، ص ۳۶۶، ج ۳، ص ۷۶). زمان اسلام آوردن جیبیر را در فاصله بین صلح حدیبیه و فتح

مکه، یعنی بین سالهای ششم تا هشتم (ابن قتیبه، ص ۱۲۳؛ ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۴۶۲)، یا سال فتح خبیر (ابن عبدالبر، همانجا) نوشته اند. جیبیر، پس از ابوبکر، بیشترین دانش را به انساب قریش و عرب داشت و به گفته خودش، این علم را از ابوبکر فرا گرفته بود (ابن عبدالبر، ج ۵، ص ۳۸؛ ابن عبدالبر، همانجا). به گفته برخی، عمر بن خطاب هنگام رسیدگی به نسب نعمان بن منذر، از جیبیر در این باره سؤال کرده است (ع جاحظ، ج ۱، ص ۲۴۴؛ ابن حجر عسقلانی، همانجا). خلیفه دوم، جیبیر را به منصب قضا منصوب و پس از مدتی او را عزل کرد (ع خلیفه بن خیاط، قسم ۱، ص ۱۵۶). برخی مورخان، جیبیر را از جمله افرادی ذکر کرده اند که بر جنازه عثمان نماز گزارد و سپس او را به خاک سپرد (ع ابن سعد، ج ۳، قسم ۱، ص ۵۴-۵۵؛ خلیفه بن خیاط، قسم ۱، ص ۱۹۳). شیخ طوسی (ص ۱۴) او را جزو اصحاب رسول خدا می داند و ابن حبان (ج ۳، ص ۵۰) او را از ثقات شمرده است. خوئی (ج ۴، ص ۳۶) روایاتی را که بر اساس آنها جیبیر از اصحاب خاص امام علی بن الحسین علیه السلام به شمار آمده، با توجه به سال وفات جیبیر، ضعیف دانسته است. از جمله راویان جیبیر، سلیمان بن صرد خزاعی، عبدالرحمان بن آذر، و فرزندان جیبیر (نافع و محمد) بوده اند (ابن ابی حاتم، ج ۲، ص ۵۱۲؛ ابن اثیر، ج ۱، ص ۳۹۸؛ ابن حجر عسقلانی، همانجا). در منابع رجالی شیعه، فرزندان جیبیر، محمد و حکیم، از اصحاب امام سجاد به شمار آمده اند (برای نمونه ع طوسی، محمد و حکیم، ص ۸۷، ۱۰۱؛ تفرشی، ج ۲، ص ۱۴۵، ج ۴، ص ۱۵۶). وفات جیبیر را، به اختلاف، در سال ۵۷، یا ۵۸ یا ۵۹ ذکر کرده اند (ع خلیفه بن خیاط، قسم ۱، ص ۲۷۲؛ ابن عبدالبر، ج ۱، ص ۲۳۳؛ ابن اثیر، همانجا).

منابع: ابن ابی حاتم، کتاب الجرح و التعديل، حیدرآباد دکن ۱۳۷۱-۱۳۷۳/۱۹۵۲-۱۹۵۳، چاپ افست بیروت [بی تا]؛ ابن اثیر، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، چاپ عادل احمد رفاعی، بیروت ۱۹۹۶/۱۴۱۷؛ ابن اسحاق، کتاب السير و المغازی، چاپ سهیل زکار، [بی جا]؛ دارالفکر، ۱۹۷۸/۱۳۹۸، چاپ افست ۱۳۶۸ ش؛ ابن حبان، کتاب الثقات، حیدرآباد دکن ۱۳۹۳-۱۴۰۳/۱۹۷۳-۱۹۸۳، چاپ افست بیروت [بی تا]؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی تمییز الصحابة، چاپ علی محمد بجاوی، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۲؛ ابن حزم، اسماء الصحابة الرواة و مالک واحد من العدد، چاپ کسروی حسن، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۲؛ همو، جوامع السيرة، و خمس رسائل اخرى، چاپ احسان عباس و ناصر اللین اسد، [قاهره ؟ ۱۹۵۰]؛ ابن سعد (لیدن)؛ ابن عبدالبر، الاستيعاب فی معرفة الاصحاب، چاپ علی محمد بجاوی، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۲؛ ابن عبدالبر، العقد القرید، ج ۵، چاپ عبدالمجید ترحینی، بیروت ۱۴۰۴/۱۹۸۲؛ ابن قتیبه، المعارف، چاپ محمدا اسماعیل عبدالله صاوی، بیروت ۱۳۹۰/۱۹۷۰؛ ابن هشام، السيرة النبوية، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ایاری، و عبدالحفیظ شلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا]؛

جَبیر، این نام بدون هیچگونه نسب یا لقبی در بعضی از کتب رجال ذکر شده، شیخ طوسی او را در شمار اصحاب امام صادق (ع) آورده و گفته است: «یونس بن یعقوب از او روایت کرده است».

منابع: رجال، طوسی، ۱۶۵؛ مجمع الرجال، ۱۷/۲؛ جامع الرواة، ۱۴۷/۱؛ اعیان الشیعة، ۶۷/۴؛ معجم رجال الحديث، ۳۵/۴.

سید مهدی حائری

جَبیر بن أسود نخعی، ابو عبید، مولای عبدالرحمن بن عباس صهبانی، در شمار راویان اصحاب امام صادق (ع) بوده است.

منابع: رجال، طوسی، ۱۶۶؛ اعیان الشیعة، ۶۷/۴؛ جامع الرواة، ۱۴۶/۱؛ معجم رجال الحديث، ۳۵/۴؛ تنقیح المقال، ۲۰۷/۱.

سید مهدی حائری

جَبیر بن ایاس، زرقی انصاری، در شمار راویان اصحاب رسول خدا (ص) یاد شده، گفته اند که او در غزوه های بدر و احد حضور داشته است.

منابع: رجال، طوسی، ۱۵؛ تنقیح المقال، ۲۰۷/۱؛ اعیان الشیعة، ۶۷/۴؛ معجم رجال الحديث، ۳۵/۴.

جَبیر بن حفص غمشانی کوفی، ابوالاسود، شیخ طوسی او را در شمار راویان اصحاب امام صادق (ع) آورده و از علی بن الحکم نقل شده که او را «از پرهیزگارترین مردم» توصیف کرده است.

منابع: رجال، طوسی، ۱۶۶؛ تنقیح المقال، ۲۰۸/۱؛ جامع الرواة، ۱۴۷/۱؛ معجم رجال الحديث، ۳۵/۴؛ اعیان الشیعة، ۶۷/۴.

سید مهدی حائری

جَبیر بن مُظَظَم بن عدی (م ۵۸ق)، ابومحمد، از جمله اصحاب رسول خدا (ص) بوده، بعضی او را از خواص اصحاب امام زین العابدین (ع) نیز برشمرده اند، وی از بزرگان و دانایان قریش بوده که در نزاعها و اختلافها به او مراجعه و مرافعه می نمودند. سلیمان ابن صُرَد و سعید بن المسیب و ابراهیم بن عبدالرحمن بن عوف و دیگران از او روایت کرده اند.

منابع: رجال، طوسی، ۱۶؛ اعیان الشیعة، ۶۷/۴؛ جامع الرواة، ۱۴۷/۱؛ معجم رجال الحديث، ۳۶/۴.

سید مهدی حائری

جَبیره، تخته های باریک یا چوبها، مقواها و نوارهایی که بدان استخوان شکسته را بندند. و در اصطلاح فقه امامیه به مطلق

جبهه بماند و لذا در اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ «نهضت آزادی ایران» به رهبری مهندس بازرگان را تأسیس کرد (← نهضت آزادی ایران). در دی ماه ۱۳۴۱ کنگره جبهه ملی دوم در تهران مرکب از ۱۷۵ شخصیت برگزار شد. این جبهه در فرآیند ششم بهمن ماه ۱۳۴۱، که از سوی شاه اعلام شده بود، مخالفت کرد و پس از آن سران جبهه بازداشت شدند ولی در سال بعد آزاد شدند. عواملی چند جبهه ملی دوم را به فروپاشی کشاند و سرانجام در اردیبهشت ۱۳۴۳ شورایی عالی جبهه ملی خود را منحل اعلام کرد. در عین حال تشکیلات جبهه ملی در خارج از کشور کم و بیش به فعالیت سیاسی خود ادامه داد. از آن جمله دکتر علی شایگان به عنوان جبهه ملی در آمریکا. در اروپا نیز «سازمانهای اروپایی جبهه ملی ایران» فعالیت مداومی داشتند. یکی از افراد سرشناس اسلامی که در خارج از کشور در اوایل کار با جبهه ملی همکاری می کرد دکتر علی شریعتی (۱۳۱۲-۱۳۵۶ ش) بود. در سالها بعد نیز، گروههایی از جبهه ملی در داخل کشور به مبارزه مسلحانه روی آوردند. به عنوان نمونه می توان به «گروه تربیت حیدریه» (دامغانی - راد) یا ایدئولوژی مارکسیستی اشاره کرد که در ۱۲۴۷ ش بازداشت شدند.

۳) **جبهه ملی سوم**، در تابستان ۱۳۴۴ ش با نامه دکتر مصدق به آقای سید باقر کاظمی جبهه ملی سوم با عضویت نهضت آزادی ایران (با نمایندگی فعالانی از نهضت که زندانی نشده بودند)، حزب ملت ایران، حزب مردم ایران، حزب سوسیالیست خلیل ملکی، نهضت آزادی ایران، و سازمان دانشجویان جبهه ملی تشکیل شد. این ترکیب و تشکیلات، فقط چند بیانیه صادر کرد و بعد تعطیل شد.

۴) **جبهه ملی چهارم**، در سال ۱۳۵۶ ش که محمدرضا شاه (۱۲۹۸-۱۳۵۹ ش) فضای باز سیاسی جدید خود را اعلام کرد، «جبهه ملی چهارم» با پیشگامی دکتر شاپور بختیار در ۲۸ آبان ماه ۱۳۵۶ ش با عنوان اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران و همکاری سه حزب ایران، حزب ملت ایران و جبهه سوسیالیستهای نهضت ملی ظاهر شد. مهندس حسینی رئیس شورای مرکزی آن شد و اعضای کمیته مرکزی آن عبارت بودند از: دکتر کریم سنجانی، دکتر بختیار و داریوش فروهر. این جبهه نیز که فعالیت چندانی نداشت پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران از هم فرو پاشید.

منابع: تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، نجاتی، صفحات متعدد؛ جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران، صفحات متعدد؛ گذشته چراغ راه آینده است، ۵۱۲ به بعد؛ ایران و تاریخ از کودتا تا انقلاب، افراسیابی، ۲۳۱ به بعد؛ تاریخ سیاسی معاصر ایران، ۲۵۳/۲؛ مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، ذاکر حسین، ۱۹۳. یوسفی اشکوری